

توسعه نباید در حد آرزو باقی بماند

سخنرانی دکتر روحانی در مراسم افتتاحیه اولین کنفرانس تأمین مالی پروژه‌های

صنعت نفت*

با سلام و خیر مقدم به حضار گرامی و با تشکر از همه دست اندرکاران برگزاری این کنفرانس علمی و با آرزوی موفقیت جهت دستیابی به اهداف مورد نظر این کنفرانس. سخن را از این نقطه آغاز می‌کنم که همه ملتها بر مبنای باورها، فرهنگ، ارزشها، منافع و مصالح خود دارای آمال آرزوها و آرمانهایی هستند. دستیابی به آنها برای هر ملتی روز مهم، تاریخی، سرنوشت ساز و روز عزت در زندگی آنها محسوب می‌شود. ملت بزرگ ایران از دیرباز در پی دستیابی به آمال و آرزوها و آرمانهای بسیار اساسی و مهم خودش بوده است. ما می‌دانیم آرمان و آرزو و آمال یک جمع یا ملت تا زمانی که دارای مدیریت، استراتژی و برنامه نباشد، همچنان در حد یک آرزو باقی خواهد ماند. از آن زمان که آمال و آرزوی یک ملت، به یک هدف ملی تبدیل شود، بسیار ارزشمند است. هدف ملی از آن زمانی است که برای دستیابی به آمال و آرزو با یک اجماع نظر و یا با وحدت نظر و مدیریت و رهبری، استراتژی و یک برنامه دقیق، همراه گردد.

به عنوان مثال مردم ما قرن‌ها در پی دستیابی به «حاکمیت ملی» بودند، حاکمیت آرا و رأی مردم، حضور مردم و مشارکت مردم در سرنوشت خویش، تأثیرگذاری در انتخابات و صندوقهای آرا، آزادی نظر و بیان، حق انتقاد سازنده و سالم و اداره جامعه توسط خود مردم، اما قرن‌ها این موضوع به صورت آمال و آرزو باقی مانده بود. شاید اولین بار در حدود یک قرن قبل، این آرزو به هدف ملی تبدیل شد. و در انقلاب مشروطه راه خود را پیدا کرد و تحولات مهمی در سایه آن به وقوع پیوست. اما پس از مدتی متأسفانه نتوانست در مسیر این هدف ملی به راه خود ادامه دهد. دستیابی به اهداف ملی مهم است اما مهم‌تر از آن، نحوه ادامه راه آن و حفظ آن است. چون هدف ملی یک پدیده نیست، بلکه یک فرایند است.

در انقلاب شکوهمند اسلامی بعد از ۱۶ سال مبارزه و تلاش، ملت ایران توانست به این آرزو که تبدیل به یک هدف ملی شده بود، دست یابد، و دیدیم که برای دستیابی به یک هدف ملی، باور همگان، حضور، مشارکت و تلاش و جهاد همه مردم به عنوان اصولی ضروری است. ملت ایران به این هدف ملی دست یافت و برای اولین بار در تاریخ کشورمان، مردم بر سرنوشت خویش حاکم شدند و توزیع قدرت و گردش آن را از نزدیک مشاهده کردند. مردم ایران سالها دستیابی به استقلال، نفی سلطه بیگانه، قطع دست اجانب و حاکمیت اراده ملی، برای آنها به صورت یک آرزو بود. اما از زمانی که تبدیل به یک هدف ملی شد، همه مردم به خیابانها آمدند، شعار نه شرقی نه غربی سر دادند و شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران را در خیابانها فریاد زدند. ملت ایران توانست به این هدف ملی دست یابد و بدون تکیه بر قدرت شرق یا غرب و با تکیه بر خود در برابر تهاجمات بیگانه بایستد و استعمار را برای همیشه از این مملکت براند.

یکی از آن آرزوهای دیرین ملت ایران، مسئله توسعه است. آن زمانی که جهان را به شمال و جنوب تقسیم بندی می کردند و می گفتند کشورهای توسعه یافته و صنعتی در نیمکره شمالی جهان قرار دارند، ما در این تقسیم بندی، در جنوب قرار گرفتیم. و آن روزی که تقسیم بندی دیگری بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان جهان اول، دوم و سوم رایج شد، ما در جهان سوم جای گرفتیم. بعد از فروپاشی شوروی که این اصطلاحات تغییر یافت و به جهان توسعه یافته و توسعه نیافته تبدیل شد و بعد دیدند این جمله کمی اهانت آمیز است و گفتند جهان توسعه یافته و در حال توسعه، ما را در کشورهای در حال توسعه قرار دادند.

توسعه اگر در یک کشور در حد آمال و آرزو بماند، دستیابی به آن ممکن نیست. آن روزی دستیابی به آن ممکن است که به هدف ملی تبدیل شود. خوشبختانه در سالهای اخیر، موضوع توسعه در بحث چشم انداز به عنوان یک هدف بیست ساله برای ملت ایران و در یک چارچوب حساب شده، مطرح شد. به اعتقاد من، کاری که مجمع تشخیص مصلحت نظام (در سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ که چشم انداز را به تصویب رساند و به تأیید مقام معظم رهبری رسید) انجام داد، به این معنا بود که آرزوهای دیرینه مردم ایران تبدیل به یک هدف ملی شده است. اما این آغاز راه است. اگر یک ملت می خواهد برای دستیابی به یک هدف بزرگ ملی خود

تلاش کند، نیاز به آن دارد که همه الزامات آن هدف ملی را مد نظر قرار دهد و به همه لوازم آن پایبند باشد.

چشم‌انداز می‌گوید در سال ۱۴۰۴، ایران کشوری است توسعه یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی، فناوری در سطح منطقه، اما آیا این یک بلند پروازی نیست؟ آیا ما می‌توانیم تا بیست سال دیگر (و با احتساب امروز که دو سال از آن تاریخ گذشته است یعنی تا ۱۸ سال دیگر) به این هدف بزرگ و بلند ملی دست پیدا کنیم؟ همه چیز وابسته به حضور مردم است. اگر چشم‌انداز برای مردم ایران تبدیل به یک باور و یک هدف ملی شود، اگر تمام مردم و ارگانها و نهادها، در برابر این هدف، احساس مسئولیت ملی، قانونی و تاریخی کنند، به اعتقاد من امری کاملاً دست‌یافتنی است. اگر دولت به تنهایی بخواهد به این چشم‌انداز برسد، باید گفت وصول به آن محال است، اما اگر ملت ایران مصمم است به این چشم‌انداز برسد، حتمی و دست‌یافتنی است. برای دستیابی به توسعه، همه لوازم آن باید مد نظر قرار گیرد. توسعه دارای قانون و روند مخصوص به خود است. ما نمی‌توانیم از قوانین اجتماعی یا اقتصادی فرار کنیم. فقط در چارچوب آن روند و مقررات، می‌توانیم به آن هدف دست پیدا کنیم. مگر دستیابی به توسعه اقتصادی بدون ثبات سیاسی و یا بدون ثبات اقتصادی امکان‌پذیر است؟ اگر قرار باشد هر هشت سال یک بار در کشور انقلاب کنیم هیچگاه به جایی نمی‌رسیم. اما اگر یک بار انقلاب کردیم و هشت سال‌ها، زنجیره‌هایی را تشکیل دهند و هر هشت سال، ساختمان نیمه‌کاره هشت سال پیش کامل‌تر گردد، آن هنگام ما به توسعه می‌رسیم.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که ما نمی‌توانیم هر چند سال یک بار یک قانون و مقررات و یک مسیر پیش پای مردم بگذاریم. ما نمی‌توانیم در هر اعلامیه و در هر سخنرانی - که خوشبختانه یا متأسفانه مسئولین جمهوری اسلامی زیاد صحبت می‌کنند و انشا الله زیاد هم عمل کنند - طرح تازه‌ای بدهیم که موجب دلهره مردم شود. نه برای امثال من، اما برای آن کسی که سرمایه‌گذار است و یا کسی که پروژه بزرگی در حال اجرا دارد و یا آن کس که می‌خواهد در یک پروژه چند ساله فعالیت کند. اینها هر بار باید مراقب باشند و سخنان مسئولین را به دقت گوش کنند که آیا سرمایه‌ها و برنامه‌هایشان می‌تواند در مسیر دیروز باشد و یا نه؟ آیا مقررات و مسیر کشور همان است که دیروز بوده یا سخن و راه جدیدی امروز مطرح است؟

ما بدون ثبات سیاسی و اقتصادی نمی‌توانیم به توسعه برسیم. اگر هر روز اقتصاد ما مقررات جدید و یک مسیر تازه دارد، و نمی‌دانیم فردا چه می‌شود، نمی‌توانیم به اهداف ملی دست پیدا کنیم. بی‌تردید برای دستیابی به توسعه یکی از لوازم و الزامات آن، ارتقا بازار سرمایه است. مگر می‌شود بدون سرمایه به توسعه رسید. به اعتقاد برخی از محققین اقتصادی، علت تحول علمی، صنعتی و اقتصادی در دنیای غرب در قرون ۱۷ و ۱۸ از انباشت سرمایه شروع شده است. مگر می‌شود بدون انباشت سرمایه و امنیت سرمایه به هدف بلند توسعه ملی و توسعه اقتصادی دست یابیم. سرمایه‌ها و منابع مالی، برای تمام پروژه‌های مهم و صنعتی و زیرساختی و به‌ویژه صنعت مادر بزرگی مانند نفت و گاز و پتروشیمی، به مثابه موتور محرک توسعه اقتصادی است، البته نفت برای ما در این منطقه هم قدرت اقتصادی، هم قدرت سیاسی و هم قدرت امنیتی است. نفت جایگاه خاص و ویژه خود را دارد. در بحث نفت و گاز دهها بحث مهم و اساسی وجود دارد که کنفرانس‌های دیگری را می‌طلبد. آیا نفت را ذخیره کنیم و نگه داریم؟ آیا قدرت ما در بالا بودن ذخایر است یا در بالا بودن تولید ماست؟ یا اینکه قدرت ما در توان تولید بدون افزایش تولید فعلی است؟ آیا قدرت ما در صادرات و قبضه کردن بازار نفت است؟ آیا قدرت ما در درآمد ارزی بخش نفت و گاز است. کدام است؟ تا استراتژی مشخص نشود و راه معلوم نگردد، ممکن است در مسیر راه دچار تغییر و تردید شویم. هیچ چیز برای پروژه‌های بزرگ و بلندمدت، خطرناک‌تر از تغییر و تردید نیست.

بحث تأمین مالی پروژه‌های عظیم نفت و گاز موضوع بحث این کنفرانس است. ما برای اینکه به تولید بیشتر برسیم و یا قبل از تولید اگر نیاز به اکتشاف مخازن جدید داریم، اگر می‌خواهیم به اکتشاف وسیع‌تر منابع و پس از آن تولید بالاتر برسیم و نفت را به ترمینال‌های صادراتی رسانده و در بازارها حضور فعال‌تر داشته باشیم، بی‌تردید یک شرط اساسی آن، تأمین مالی پروژه‌های مهم نفت و گاز است. متأسفانه ما در کشور در پروژه‌های مهم نفت و گاز معمولاً از طریق "فاینانس" یا "بای بک" عمل کرده‌ایم و کمتر به سراغ راهها و برنامه‌های دیگر رفته‌ایم. برای دستیابی به سرمایه لازم، راههای متنوع و فراوانی وجود دارد که برای هر میدان نفتی، سازوکار مناسب با آن میدان باید مد نظر قرار گیرد. آیا ما (به دلیل اینکه سرمایه داخلی ما گران و با بهره بالا است و یا سرمایه داخلی ما کفایت نمی‌کند) نیاز به سرمایه خارجی نداریم؟

ما نیاز به سرمایه مطمئن، آسان و با قیمت ارزان داریم و این هر سه باید تأمین شود. نکته مهم دیگر آن است که بدانیم کارفرمایان چگونه می‌اندیشند؟ مجریان و پیمانکاران چه می‌گویند و درد دل آنها چیست؟ تأمین کنندگان مالی چه نظری دارند؟ بخش مالی، مؤسسات مالی و اعتباری و بیمه چگونه فکر می‌کنند؟ آیا ما نیاز به یک تغییر در ساختار بخش مالی و اعتباری داریم؟ آیا نیاز به تغییر در سیاستها داریم؟ اینها در زمره مسائلی است که این کنفرانس دو روزه باید آنها را دنبال کند.

با پایان یافتن سال جاری، دو سال از برنامه پنج ساله چهارم سپری می‌شود و در واقع ۱۰ درصد زمان دستیابی به چشم انداز را از دست داده‌ایم. بنا به قولی، شالوده دست یافتن به چشم انداز، همین برنامه پنج ساله چهارم است. در این برنامه اگر توانستیم تحرک لازم را داشته باشیم، بی تردید امید به دستیابی به آن هدف ملی، برای ما امکان پذیر می‌شود. آنچه این کنفرانس باید دنبال کند این است که چگونه یک تحول جدید به وجود آوریم؛ بویژه در بخش تأمین مالی که هدف اصلی این کنفرانس است و آن را تعقیب می‌کند. امیدوارم تلاش دو روزه این کنفرانس ما را به نقطه نظرات جدید برساند و مرکز تحقیقات استراتژیک به عنوان پشتوانه پژوهشی و تحقیقاتی مجمع تشخیص مصلحت نظام بتواند از ثمره این کنفرانس برای تدوین استراتژی‌های نوین در این بخش مهم استفاده نماید.